

نقد رویکرد فمینیسم در عدالت جنسیتی با تأکید بر نهج البلاغه

پژوهشگر: فاطمه علیپور^۱

چکیده

عدالت جنسیتی از مفاهیم چالش برانگیز در عرصه نظریه‌های اجتماعی و اخلاقی معاصر است که در گفتمان فمینیسم با تأکید بر برابری ساختاری و نقش‌های اجتماعی زنان و مردان بازتعریف شده است. این در حالی است که در منابع اسلامی، به‌ویژه نهج‌البلاغه، عدالت مفهومی فراتر از تساوی صوری و به معنای قرار گرفتن هر چیز در جایگاه شایسته خود تلقی می‌شود. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد انتقادی به بررسی مبانی عدالت جنسیتی در دیدگاه فمینیستی پرداخته و آن را با آموزه‌های امام علی (ع) در نهج‌البلاغه مقایسه کرده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که گفتمان فمینیستی با نادیده گرفتن تمایزهای فطری و فلسفی میان زن و مرد، به نوعی یکنواخت‌سازی افراطی انجامیده است که پیامد آن تضعیف جایگاه واقعی زن و فروپاشی نهاد خانواده بوده است. در مقابل، نهج‌البلاغه با رویکردی متعادل و حکیمانه، ضمن پذیرش تفاوت‌های طبیعی، زن را برخوردار از کرامت انسانی، عقلانیت، و مسئولیت اخلاقی می‌داند و عدالت جنسیتی را در تناسب نقش‌ها و رعایت انصاف در ساختار اجتماعی و خانوادگی معنا می‌کند. بر این اساس، نهج‌البلاغه ظرفیت تئوریک بالایی در ارائه الگویی بومی و معنوی از عدالت جنسیتی دارد که نه تنها با آموزه‌های دینی، بلکه با نیازهای انسانی و اجتماعی نیز هماهنگ است.

کلیدواژه: عدالت جنسیتی، فمینیسم، نهج‌البلاغه

مقدمه

عدالت جنسیتی از مفاهیم بنیادینی است که در حوزه‌های اجتماعی، فلسفی و دینی جایگاه برجسته‌ای دارد. در دهه‌های اخیر، فمینیسم به‌عنوان یکی از جریان‌های فکری مؤثر در غرب، تلاش کرده تا نابرابری‌های موجود میان زنان و مردان را

^۱ طلبه سطح دو

مدرسه تخصصی حضرت فاطمه سلام الله علیها.

تحلیل و اصلاح کند. این جریان با تأکید بر برابری حقوقی، اقتصادی و اجتماعی دو جنس، به‌ویژه در زمینه حقوق زنان، نظریه‌ها و راهکارهایی ارائه داده است. با این حال، برخی دیدگاه‌های فمینیستی، به‌ویژه در شاخه‌های رادیکال آن، دچار افراط‌گرایی، تعمیم‌های ناروا و گاه تقابل با نهاد خانواده و ارزش‌های سنتی شده‌اند. از سوی دیگر، متون اسلامی مانند نهج‌البلاغه با نگاهی عمیق، عدالت جنسیتی را در چارچوب کرامت انسانی، تفاوت‌های فطری و مسئولیت‌های اجتماعی تحلیل می‌کنند. این مقاله می‌کوشد تا با نقد رویکرد فمینیستی به عدالت جنسیتی، امکان بهره‌گیری از نهج‌البلاغه به‌عنوان منبعی غنی برای ارائه الگویی متوازن و انسانی را بررسی نماید.

سال‌های اخیر، پژوهش‌هایی در زمینه تبیین عدالت جنسیتی از منظر قرآن و روایات انجام شده است، اما نقد صریح و روشمند رویکردهای فمینیستی از منظر متون اسلامی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. برخی پژوهش‌ها همچون «حقوق زنان؛ برابری و نابرابری؟» و «زن و خانواده» اثر «زهرا آیت‌اللهی» که در سال ۱۳۸۹ به چاپ رسیده است. همچنین «زن، جنسیت و فمینیسم در ترازوی عدالت» اثر فرشته روح افزا به بررسی حقوق زن در اسلام پرداخته‌اند، اما تمرکز مستقیم بر نهج‌البلاغه و مقایسه آن با نظریه‌های فمینیستی نیازمند بررسی بیشتر است. همچنین، در منابع غربی، فمینیسم در شاخه‌های مختلف مانند فمینیسم لیبرال، مارکسیستی، رادیکال و پست‌مدرن مورد تحلیل قرار گرفته که توجه به تمایز این شاخه‌ها در نقد آن‌ها از منظر اسلامی اهمیت دارد.

توجه به گسترش تأثیر فمینیسم در گفتمان‌های اجتماعی، آموزشی و رسانه‌ای، و نیز چالش‌هایی که این دیدگاه با مفاهیم دینی و بومی ایجاد می‌کند، نقد علمی و مستند آن از منظر منابع اسلامی ضروری است. نهج‌البلاغه، به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین منابع فکری اسلام، حاوی نگاهی عمیق به جایگاه زن، عدالت و مسئولیت‌های اجتماعی است که می‌تواند در برابر تفسیرهای سطحی و گاه افراطی فمینیستی، الگویی بومی، متوازن و عادلانه ارائه دهد. پرداختن به این موضوع، راه را برای بازاندیشی در الگوهای عدالت‌محور در جامعه اسلامی فراهم می‌سازد.

سؤال اصلی این تحقیق آن است که: «رویکرد فمینیسم در عدالت جنسیتی چه ضعف‌هایی دارد و نهج‌البلاغه چه الگویی جایگزین در این زمینه ارائه می‌دهد؟»

هدف از بررسی و نقد رویکردهای مختلف فمینیستی در زمینه عدالت جنسیتی، تبیین دیدگاه نهج‌البلاغه درباره عدالت، جنسیت، کرامت انسانی و ارائه الگویی بومی-اسلامی برای عدالت جنسیتی بر اساس نهج‌البلاغه است.

۱_ مفهوم شناسی

عدالت

لغوی: واژه "عدالت" از ریشه "ع-د-ل" به معنای میانه‌روی، انصاف، و قرار دادن هر چیز در جای خود است. در زبان عربی، "عدل" به مفهوم برابری و توازن آمده است.^۱

اصطلاحی: در اصطلاح، عدالت مفهومی است که در فقه، فلسفه و کلام اسلامی به معنای اعطای حق به ذی‌حق، رعایت تناسب‌ها و پرهیز از ظلم و افراط و تفریط است. علامه طباطبایی عدالت را "قرار دادن هر چیز در جای خود" تعریف می‌کند.^۲

جنسیت

لغوی: واژه "جنسیت"^۳ به تفاوت‌های زن و مرد اشاره دارد. در عربی معادل آن معمولاً "جنس" یا "نوع" استفاده می‌شود.^۴ اصطلاحی: در علوم اجتماعی، جنسیت به تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی زن و مرد (بر خلاف تفاوت‌های زیستی) گفته می‌شود. این مفهوم محصول نظریه‌های فمینیستی در قرن بیستم است که میان جنس^۵ و جنسیت تمایز قائل شدند.^۶

عدالت جنسیتی

اصطلاحی: عدالت جنسیتی به معنای ایجاد شرایطی است که زن و مرد بتوانند بدون تبعیض و با در نظر گرفتن ویژگی‌های فطری و نیازهای متفاوت، به رشد و شکوفایی برسند. برخلاف برابری جنسیتی، که خواهان مساوات مطلق است، عدالت جنسیتی بر تناسب و انصاف تأکید دارد.^۷

^۱ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱.

^۲ طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۲.

^۳ gender

^۴ معین، فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۹۰۳.

^۵ sex

^۶ صادقی، درآمدی بر جامعه‌شناسی جنسیت، ص ۱۶۷.

^۷ آیت‌اللهی، حقوق زنان برابری یا نابرابری، ص ۲۵.

لغوی: واژه فمینیسم اسم فرانسوی است در لغت نامه فارسی به معنای "طرفداری از حقوق زنان" است.^۲

اصطلاحی: فمینیسم جنبشی فکری-اجتماعی است که با هدف رفع تبعیض از زنان، ساختارهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جوامع را به چالش می‌کشد. شاخه‌های مختلف آن مانند فمینیسم لیبرال، مارکسیستی و رادیکال، هر یک قرائتی خاص از عدالت ارائه می‌دهند.^۳

طبق نظر زن پژوهان، واژه فمینیست را نمی‌توان به راحتی و در حد یک واژه معنا کرد. به این دلیل که اختلاف نظری که گروه‌های فمینیست در تئوری‌ها و آرمان‌ها دارند در شناخت مفهوم مورد نظرشان موثر است، لیکن برخی این واژه را «زنانه‌وری یا زن‌وری» ترجمه کرده‌اند. ویلفورد در کتاب درآمدی بر ایدئولوژی‌های سیاسی یک تعریف پایه‌ای را از قول رزالیند دلمار نقد کرده و آن را برای ترجمه فمینیسم بنابر هر گرایشی کافی میدانند آن تعریف چنین است: فمینیسم دیدگاهی است که معتقد است زنان به دلیل جنسیتشان کانون تبعیض قرار گرفته‌اند.^۴

مبانی عدالت در نهج‌البلاغه

در نهج‌البلاغه، عدالت مفهومی بنیادین است که در کنار تقوا، محور حکومت و اجتماع اسلامی تلقی شده است. حضرت علی (ع) در نامه ۵۳ به مالک اشتر می‌فرماید: "بر مردم به دیده یکسان بنگر..." که دلالت بر برابری در کرامت و رعایت حق دارد، اما در جای دیگر تأکید می‌شود که هر کس را در جایگاه متناسب با ظرفیت و شایستگی‌اش قرار دهیم.^۵

۲_ فمینیسم و عدالت جنسیتی؛ از برابری طلبی تا بازتعریف نقش‌ها

جنبش فمینیسم در پاسخ به قرن‌ها نابرابری و تبعیض ساختاری علیه زنان پدید آمد. این جریان، به‌ویژه از قرن هجدهم

^۱ femenia

^۲ قائد، مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی، ص ۳۴۶.

^۳ صادقی، درآمدی بر فمینیسم، ص ۳۰.

^۴ قاید، مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی، ص ۳۴۷.

^۵ دشتی، نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۱۹ تا ۴۰۳.

میلادی با آثار کسانی چون «مری ولستون کرافت» شکل گرفت که در کتاب معروف خود «در دفاع از حقوق زنان» خواهان دسترسی برابر زنان به آموزش و فرصت‌های اجتماعی شد. از آن زمان، فمینیسم به مکتبی چندشاخه و چندلایه تبدیل شده که در آن، مفهوم «عدالت جنسیتی» در قلب گفتمان‌ها قرار دارد.^۱

در فمینیسم کلاسیک، عدالت جنسیتی به معنای برابری حقوقی، سیاسی و اجتماعی زن و مرد تلقی می‌شد. این نگرش به‌ویژه در موج اول فمینیسم (اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰) نمایان بود که خواهان حق رأی، تحصیل، مالکیت و اشتغال برای زنان بود. اما از نیمه قرن بیستم به بعد، و با ظهور موج دوم و سوم فمینیسم، عدالت جنسیتی معنایی گسترده‌تر یافت؛ برچیدن ساختارهای مردسالارانه، بازخوانی هویت زنانه، انتقاد از نهادهای فرهنگی، دینی و خانوادگی موجود.

فمینیسم رادیکال، عدالت را نه در قالب برابری حقوقی، بلکه در بازسازی کلی هویت زن و مرد، بازتعریف رابطه قدرت و گاه، تقابل مستقیم با نظام‌های سنتی، به‌ویژه دین، می‌بیند. سیمون دوبووار، فیلسوف اگزیستانسیالیست فرانسوی، در کتاب معروف خود «جنس دوم»، زن را محصول «ساخت اجتماعی مردانه» می‌داند و می‌نویسد: «کسی زن زاده نمی‌شود، بلکه زن می‌شود».^۲ این جمله شاخص رویکرد فمینیستی به جنسیت به‌عنوان یک مقوله‌ی ساخته‌شده^۳ است نه طبیعی.

با این حال، نگاه فمینیستی به عدالت جنسیتی با نقدهای گسترده‌ای روبه‌روست. بسیاری از متفکران منتقد، از جمله در جهان اسلام، معتقدند که این گفتمان، در برخی مصادیق به‌جای رفع ظلم، به نادیده‌گرفتن تمایزات طبیعی و کارکردی میان زن و مرد انجامیده است. به‌عنوان مثال، برخی نظریه‌پردازان اسلامی چون زهرا آیت‌اللهی بر این باورند که عدالت

جنسیتی به‌جای برابری مطلق، باید متکی بر تناسب حقوق و مسؤولیت‌ها باشد:

«اسلام زن و مرد را در انسانیت و کرامت یکسان می‌داند، ولی به‌دلیل تفاوت‌های طبیعی، در برخی وظایف و مسؤولیت‌ها تفاوت قائل می‌شود. این تفاوت نه تبعیض است و نه نافی عدالت».^۴

در چنین نگاهی، عدالت جنسیتی به معنای «قرار دادن هر فرد در جایگاه شایسته» و رعایت تناسب در حقوق و تکالیف

^۱ علوی، دفاع از حقوق زنان، ص ۱۲۵.

^۲ صنوعی، جنس دوم، ج ۱، ص ۱۴.

^۳ constructed

^۴ آیت‌اللهی، حقوق زنان، ص ۶۵.

دلیل: زن و مرد در انسانیت یکسان اند، پس حقوقشان نیز باید برابر باشد. در اعلامیه سنکافالز اشکارا آمده بود: زن با مرد برابر است، و برابری انسان ها نتیجه ی ضروری واقعیت یکسان بودن نسل بشر در توانایی ها و مسولیت هاست.^۱

پاسخ: در این دلیل از واقعیت مربوط به جنس، یعنی تفاوت های جسمانی و روانی میان زن و مرد غفلت شده است. اگر چه وجود بعد انسانی مشترک میان زن و مرد به وجود حقوق مشترک انسانی می انجامد، تفاوت ها نیز در جای خود میتواند منشا حقوق متفاوت باشند. نادیده گرفتن تفاوت های که برخی از یک توانایی و برخی از یک کاستی یا نقص حکایت دارد، به همان اندازه نارواست که نادیده گرفتن اشتراکات میان زن و مرد. به عبارت دیگر اعطای حقوق برابر در وضعیت نابرابر ناعادلانه است. گاه قانون گذاری برابر به نفی حمایت از شخص یا گروه نیازمند از حمایت می انجامد. برای مثال، اگر زنان به سبب وضعیت بیولوژیکی خود در وضعیت بارداری به قانون های حمایت گر و حقوق بیشتر نیازمند باشند، نظریه حقوق برابر آن را نفی میکند.^۲

۴_ خوانشی از عدالت در نهج البلاغه؛ از حکمرانی تا روابط انسانی

عدالت در منظومه فکری امام علی (ع)، نه صرفاً یک اصل اجتماعی، بلکه یک مبنای هستی شناسانه، اخلاقی و معرفتی است. در نهج البلاغه، عدالت ستون دین، معیار تقوا و اساس سیاست و ورزی شمرده می شود. این مفهوم، در برابر ظلم، افراط و تفریط، و هرگونه بی مبالاتی در مواجهه با حقوق انسان ها قرار می گیرد.

امیرالمؤمنین (ع) در خطبه ها و نامه های خود بارها به مسئله عدالت اشاره کرده اند. در نامه ۵۳ به مالک اشتر، حضرت علی (ع) عدالت را به عنوان ستون حکومت دینی معرفی می کند و فرماندار خویش را به رعایت انصاف، دوری از تبعیض، و همدلی با مردم فرا می خواند:

«وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ... فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ، وَ إِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ»^۳

(دل خود را مملو از مهر و رحمت نسبت به مردم کن؛ چراکه آنان یا برادر دینی تو هستند، یا همانند تو در آفرینش.)

^۱ مشیرزاده، از جنبش تا نظریه اجتماعی، ص ۶۴.

^۲ طباطبایی، انقیاد زنان، ص ۱۴۲.

^۳ دشتی، نهج البلاغه، نامه ۵۳، ۴۰۳ و ۴۰۴.

در این نگاه، اساس عدالت، انسان‌مداری کرامت محور است؛ نه جنس، نژاد یا موقعیت اجتماعی. نگاه حضرت علی (ع) حتی در مقام حاکمیت، بر ارزش مشترک انسان بودن استوار است.

از منظر امام علی (ع)، عدالت به معنای قراردادن هر چیز در جای خود است:

«الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا»^۱

(عدالت، هر چیز را در جای خود قرار می‌دهد.)

اگر بخواهیم به یک جمع بندی تا به اینجا برسیم این معنا دقیقاً در تقابل با تلقی فمینیستی از عدالت جنسیتی به مثابه «برابری مطلق» قرار می‌گیرد. در نگرش علوی، برابری به معنای یکسانی نیست؛ بلکه به معنای رعایت «تناسب» و «ظرفیت» است. از همین رو، تفاوت حقوقی یا کارکردی میان زن و مرد، مادامی که متکی بر فطرت، عقل، و حکمت باشد، مصداق بی‌عدالتی نیست.

۴_تطبیق عدالت علوی بر حوزه جنسیت

در حوزه خانواده نیز، نگاه امیرالمؤمنین به عدالت به معنای تسهیم وظایف براساس توانایی‌هاست، نه واگذاری مشابه نقش‌ها. به عنوان مثال، در گزارش معروف از تقسیم کار میان حضرت زهرا (س) و حضرت علی (ع)، کار خانه به عهده فاطمه (س) و کار بیرون به عهده علی (ع) نهاده شد. این تقسیم، نه از منظر برتری یا فرودستی، بلکه به عنوان سازوکار عدالت‌محور در اداره خانواده تلقی می‌شود.^۲

در نتیجه، می‌توان گفت عدالت در نهج‌البلاغه یک عدالت جامع و چندبُعدی است که در آن، تفاوت‌های فطری، ظرفیت‌های فردی و مصالح اجتماعی همگی لحاظ شده‌اند. این نگاه، برخلاف رویکردهای فمینیستی که عدالت را تنها در «برابری ریاضی» می‌جویند، نوعی عدالت «توزیعی-حکیمانه» را عرضه می‌کند.

۵_بازشناسی جایگاه زن در نهج‌البلاغه؛ میان ساحت‌های فطری، اخلاقی و اجتماعی

در میان منابع اسلامی، نهج‌البلاغه یکی از ژرف‌ترین متون در حوزه اخلاق، سیاست و جامعه‌شناسی دینی است. جایگاه

^۱ دشتی، نهج‌البلاغه، حکمت ۴۳۷، ص ۵۲۷.

^۲ مجلسی، بحارالأنوار، ج ۴۳، ص ۸۱.

زن در این متن، نه به مثابه یک کلیشه‌ی جنسیتی، بلکه در قالب یک هستی انسانی با ظرفیت‌های معنوی و اجتماعی بازنمایی شده است. متأسفانه گاه برخی عبارات نهج‌البلاغه به صورت تقطیع شده یا خارج از سیاق مورد برداشت قرار گرفته‌اند و موجب سوء تفاهم‌هایی درباره نگاه امام علی (ع) به زن شده‌اند.

۱-۵. ارزش‌گذاری شخصیت زن بر اساس ایمان و وفاداری

امام علی (ع) در نهج‌البلاغه بارها از شخصیت حضرت فاطمه زهرا (س) یاد کرده و او را نمونه کامل یک زن مؤمن و پشتیبان در راه دین دانسته است. در روایتی حضرت رسول (ص) از حضرت علی (ع) پرسید: «همسرت را چگونه یافتی؟» ایشان در جواب عرض کردند: «او بهترین یاور بر اطاعت از خداوند است.»^۱

در این بیان، حضرت نه تنها زن را صرفاً موجودی عاطفی یا تابع نمی‌بیند، بلکه او را در بالاترین مقام همراهی ایمانی و مسؤولیت‌پذیری اجتماعی قرار می‌دهد.

۲-۵. زن در بستر کرامت و مسؤولیت اجتماعی

در نهج‌البلاغه، به زنان نه به عنوان قشری منزوی، بلکه به مثابه بخشی از ساختار جامعه با نقش‌ها و مسؤولیت‌های اخلاقی نگریسته شده است. چنان‌که در خطبه‌ها و نامه‌های سیاسی امام علی (ع)، نقش خانواده، تربیت فرزندان، و عفاف به عنوان پایه‌هایی از عدالت اجتماعی مطرح شده‌اند.

همچنین روایت مشهوری از حضرت علی (ع) وجود دارد - هرچند نه در نهج‌البلاغه - که می‌فرماید:

«المرأة ری حانة و لیست بقهرمانة»

(زن گلی خوشبوست، نه کارگزار خانواده.)

این روایت در وسائل‌الشیعه آمده و ناظر به تفاوت فطری زن و مرد در تحمل مسئولیت‌های سنگین است، نه محروم‌سازی زن از فعالیت اجتماعی. فقها از این روایت برای اثبات عدم وجوب کارهای سنگین بر زن در خانه استفاده کرده‌اند.^۲

^۱ مجلسی، بحارالانوار، جلد ۴۳، صفحه ۱۱۷.

^۲ حر عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۲۱، ص ۲۵۱.

با توجه به مطالب برخلاف رویکرد فمینیستی که عمدتاً با تأکید بر برابری ریا ضی به نقد نقش‌های جنسیتی می‌پردازد، نهج‌البلاغه عدالت جنسیتی را بر اساس تنا سب، کرامت و تعهد می‌بیند. در این نگاه، تفاوت زن و مرد به معنای تبعیض نیست، بلکه ضرورتی حکیمانه برای تعادل خانوادگی و اجتماعی است.

نتیجه گیری

مقاله حاضر با عنوان «نقد رویکرد فمینیسم در عدالت جنسیتی با تأکید بر نهج‌البلاغه» به تحلیل تطبیقی میان مبانی عدالت جنسیتی در گفتمان فمینیستی و آموزه‌های نهج‌البلاغه پرداخت. ضرورت این تحقیق از آنجا ناشی می‌شود که امروزه عدالت جنسیتی به یکی از مناقشه برانگیزترین مفاهیم در حوزه فلسفه اجتماعی و اخلاق تبدیل شده و گفتمان فمینیستی در بازتعریف نقش زن، تلاش کرده با نفی ساختارهای سنتی، به سوی برابری مطلق نقش‌ها حرکت کند.

اما از منظر منابع معرفتی شیعه، به‌ویژه نهج‌البلاغه، عدالت نه به معنای برابری مطلق بلکه به معنای «وضع‌الشیء فی موضعه» تعریف می‌شود؛ یعنی، هر چیز در جایگاه حقیقی و شایسته خود قرار گیرد. این معنا در کلمات امام علی علیه‌السلام صریح است، آنجا که عدالت را ستون استواری می‌داند که نظام اجتماعی بر آن قائم است و ظلم را به معنای خروج از حد و مرز طبیعی آن جایگاه تلقی می‌کند.

بررسی آموزه‌های فمینیستی نشان داد که بسیاری از رویکردهای فمینیستی معاصر (خصوصاً موج دوم و سوم) با نادیده گرفتن تفاوت‌های طبیعی و فطری زن و مرد، نوعی ساختارشکنی افراطی و بحران در تعریف هویت جنسیتی را پدید آورده‌اند. این در حالی است که امام علی (ع) در نهج‌البلاغه، با نگاهی واقع‌گرایانه، زن را موجودی دارای کرامت ذاتی، قابلیت معنوی، عقلانیت نسبی و نقش‌آفرین در خانواده و جامعه معرفی می‌کند.

همچنین تحلیل نامه‌های ۳۱ و ۴۵ نهج‌البلاغه نشان داد که امام علی (ع) عدالت را هم در تربیت فردی و هم در ساختارهای کلان اجتماعی مدنظر دارد. ایشان در وصیت به امام حسن مجتبی (ع)، بر اعتدال در خواسته‌های غریزی، رعایت حقوق دیگران، و رعایت انصاف در تعاملات خانوادگی تأکید می‌ورزد؛ اموری که نشان‌دهنده نگاه چند بعدی ایشان به مسئله عدالت در همه سطوح از جمله جنسیت است.

در نهایت می‌توان گفت، آموزه‌های شیعی از جمله نهج‌البلاغه، ظرفیت بالقوه‌ای برای ارائه الگویی بومی، معنوی و عقلانی از عدالت جنسیتی دارند که در آن، زن نه قربانی و نه رقیب، بلکه شریک در مسئولیت اجتماعی و اخلاقی معرفی می‌شود. چنین الگویی می‌تواند در مقابل افراط‌های فمینیسم سکولار و تفریط‌های سنت‌گرایانه، راه سوم و متعادلی را پیش‌روی جوامع اسلامی قرار دهد.

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۲. آيت اللهی، زهرا، حقوق زنان برابری يا نابرابری؟، تهران، نشر هاجر، ۱۳۹۷.
۳. بارت، ريچارد، درآمدی بر جامعه‌شناسی جنسیت، ترجمه فاطمه صادقی، تهران، نشرنی، ۱۳۸۲.
۴. بیکر، جودیت، درآمدی بر فمینیسم، ترجمه فاطمه صادقی، تهران، نشر شیرازه، ۱۳۸۴.
۵. جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۴.
۶. عاملی، حر، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه ال البيت عليهم السلام، بی تا.
۷. سبزواری، هادی، شرح الاسماء الحسنی، قم، بیدار، بی تا.
۸. دانون، جوزفین، نظریه فمینیستی، ترجمه فرزانه راجی، تهران، چشمه، ۱۴۰۲.
۹. دو بووار، سیمون، جنس دوم، ترجمه قاسم صنعوی، تهران، نشر توس، ۱۳۹۶.
۱۰. طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
۱۱. طباطبایی، محمدتقی، نقد مبانی فمینیسم در تبیین هویت زن، بی جا، مجله زن در فرهنگ و هنر، ۱۳۹۱.
۱۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۱۳. مشیرزاده، حمیرا، از جنبش تا نظریه اجتماعی، تهران، نشر شیرازه، ۱۴۰۰.
۱۴. میل، جان استوارت، انقیاد زنان، ترجمه علاءالدین طباطبایی، بی جا، هرمس، ۱۴۰۲.
۱۵. مطهری، مرتضی، مسائل حجاب، تهران، صدرا، ۱۳۹۱.
۱۶. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۷.
۱۷. سبحانی، جعفر، عدل الهی، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۳۹۴.
۱۸. آشتیانی، مرتضی، زن در آیینه نهج البلاغه، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۳.
۱۹. ودود، آمنه، قرآن و زن، ترجمه معصومه آگاهی، اعظم پویا، تهران، نشر حکم، ۱۴۰۲.
۲۰. ولستون کرافت، مری، دفاع از حقوق زنان، مترجم: سید حسن علوی، لندن، بی نا، ۱۷۹۲م.
۲۱. ویلفورد، ریک، مقدمه ای بر ایدئولوژی های سیاسی، ترجمه، م. قائد، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی، ۱۳۸۷.